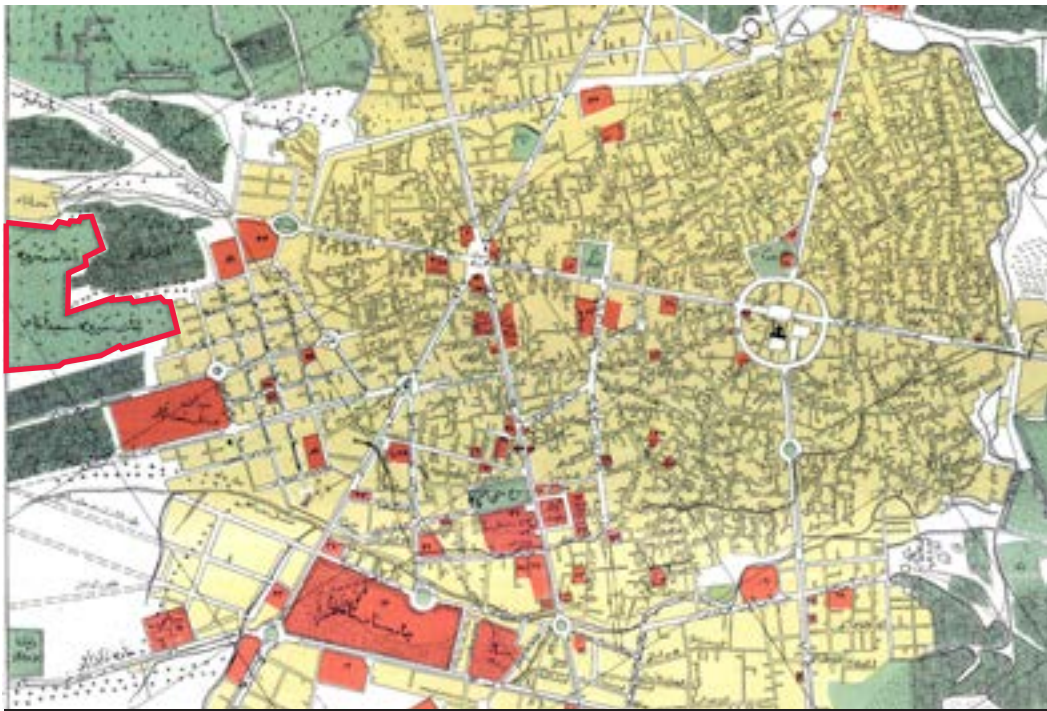


«سرده» و قناتی که مشهدی‌ها را سیراب می‌کرد



موقعیت اراضی و یاغات سرده بر روی نقشه سال ۱۳۳۳ خورشیدی مشهد

مرضیه‌ترابی‌امشهداز دیرباز گرفتار مشکل تأمین آب بوده است. مرور تاریخ این شهر، خبر از تکاپوهای بسیاری می‌دهد که برای حل این مشکل مهم و راهبردی صورت می‌گرفت. گزارش‌های موجود در منابع مربوط به قرن چهارم و پنجم، مانند «تاریخ بیهقی»، دربرگیرنده اخباری است که از تلاش افرادی مانند «ابوالحسن عراقی دبیر»، «عبدا... بن فائق خاصه» و «بوکر شهمرذ» برای تأمین آب مشهد حکایت می‌کند، آن هم در زمانی که به تعبیر برخی جغرافی دانان قرون اولیه اسلامی،

«شهرچه‌ای» بیش نبود و افراد زیادی در آن سکونت

نداشتند.

دراین‌بین،قنات‌های جاری درمزارع و اراضی اطراف شهر در تأمین آب مشهد، نقشی مهم و راهبردی داشت. آب این قنات‌ها با کمترین هزینه و در سریع‌ترین زمان ممکن به شهرانتقال پیدا می‌کرد وازاین‌رو،نخستین‌گزینه برای رفع بحران کم‌آبی بود. در میان مزارعی که آب قنات آن‌ها، ناجی تشنگان مشهدی‌می‌شد،نام‌مزرعه«سرده»از جایگاه‌ویژه‌ای برخوردار است؛ هرچندکه در گذر تاریخ، این‌نام مهم

درباره معنای سرده و چرایی اطلاق آن به این مزرعه قدیمی، نمی‌توان با قاطعیت سخن گفت. در منابع لغوی مشهوری مانند «لغت‌نامه دهخدا»، سرده را به معنای «نوع»، «گونه‌ای از خربزه»، «جام یا قح می»، «ساقی» و «میوه پیش‌رس» آورده‌اند. این واژه، واژه‌ای بسیار قدیمی است که برخی آن را مأخوذ از کلمه‌ای اوستایی می‌دانند؛ کلمه‌ای که با معانی مورد اشاره، در زبان فارسی میانه به واژه «سرتک» تبدیل شد. بااین حال، سرده می‌تواند تغییر یافته واژه دیگری باشد. در متن برخی از نسخه‌های کتاب «جغرافیای حافظ ابرو»، نگارش یافته توسط شهاب‌الدین عبدا... خوافی (مشهور به حافظ ابرو)، در سال ۸۲۳قمری، واژه «سرده» به صورت «سوده» ضبط شده است؛ هرچندکه به احتمال زیاد، این تغییر شکل، یک خطای نگارشی است، اما می‌تواند ظن مربوط به تغییر شکل یافته بودن واژه سرده را تقویت کند. در هر حال آنچه فعلا می‌توان درباره مفهوم واژه سرده دریافت، پیوستگی آن با فضای سبز، باغات و مزارع مصفا و خوش منظری است که میوه‌هایی متنوع دارد و نقشی عمده در تأمین محصولات باغی ایفا می‌کند؛ در عین حال، نمی‌توان از تردید در این مفهوم نیز بحدز بود. نکته دیگری که باید در بررسی مفهوم واژه سرده مد نظر قرار دهیم، تکرار استفاده از آن در محدوده میانه جغرافیای خراسان قدیم است. در اسناد موجود و نیز متون قرون اخیر دست‌کم دو مورد از نام‌گذاری با واژه سرده در این گستره جغرافیایی دیده می‌شود؛ نخست مزرعه (یا روستایی) در دهستان تحت جلگه نیشابور و دیگری محله‌ای قدیمی در شهر تاریخی سبزوار، به‌همین دلیل باید واژه سرده را در زمره واژگان پراکرد در خراسان قدیم بدانیم؛ عاملی که اسباب شهرت این کلمه را فراهم می‌کرد و باعث نام‌گذاری برخی مناطق با آن می‌شد.

- «سرده» یعنی چه؟

درباره معنای سرده و چرایی اطلاق آن به این مزرعه قدیمی، نمی‌توان با قاطعیت سخن گفت. در منابع لغوی مشهوری مانند «لغت‌نامه دهخدا»، سرده را به معنای «نوع»، «گونه‌ای از خربزه»، «جام یا قح می»، «ساقی» و «میوه پیش‌رس» آورده‌اند. این واژه، واژه‌ای بسیار قدیمی است که برخی آن را مأخوذ از کلمه‌ای اوستایی می‌دانند؛ کلمه‌ای که با معانی مورد اشاره، در زبان فارسی میانه به واژه «سرتک» تبدیل شد. بااین حال، سرده می‌تواند تغییر یافته واژه دیگری باشد. در متن برخی از نسخه‌های کتاب «جغرافیای حافظ ابرو»، نگارش یافته توسط شهاب‌الدین عبدا... خوافی (مشهور به حافظ ابرو)، در سال ۸۲۳قمری، واژه «سرده» به صورت «سوده» ضبط شده است؛ هرچندکه به احتمال زیاد، این تغییر شکل، یک خطای نگارشی است، اما می‌تواند ظن مربوط به تغییر شکل یافته بودن واژه سرده را تقویت کند. در هر حال آنچه فعلا می‌توان درباره مفهوم واژه سرده دریافت، پیوستگی آن با فضای سبز، باغات و مزارع مصفا و خوش منظری است که میوه‌هایی متنوع دارد و نقشی عمده در تأمین محصولات باغی ایفا می‌کند؛ در عین حال، نمی‌توان از تردید در این مفهوم نیز بحدز بود. نکته دیگری که باید در بررسی مفهوم واژه سرده مد نظر قرار دهیم، تکرار استفاده از آن در محدوده میانه جغرافیای خراسان قدیم است. در اسناد موجود و نیز متون قرون اخیر دست‌کم دو مورد از نام‌گذاری با واژه سرده در این گستره جغرافیایی دیده می‌شود؛ نخست مزرعه (یا روستایی) در دهستان تحت جلگه نیشابور و دیگری محله‌ای قدیمی در شهر تاریخی سبزوار، به‌همین دلیل باید واژه سرده را در زمره واژگان پراکرد در خراسان قدیم بدانیم؛ عاملی که اسباب شهرت این کلمه را فراهم می‌کرد و باعث نام‌گذاری برخی مناطق با آن می‌شد.

- مزرعه «سرده» در متون تاریخی و جغرافیایی قدیم نام مزرعه سرده در قدیمی‌ترین متون تاریخی و

«خانه کاظم‌پور» و گرد تنهایی نشسته بر آن

درباره یکی از خانه‌های تاریخی باقی‌مانده در میدان شهدا



تاج‌داری احمدشاه قاجار بازمی‌گردد. این بنا متعلق به خانواده آقای کاظم‌پور است که به‌گفته اهالی محل از سال‌ها قبل رها شده و اکنون به صورت متروکه درآمده است؛



بخشی از محدوده کلاه‌دوز که روزگاری جزو باغات سرده بوده است



نمایی از یولوار کلاه‌دوز در اوایل دهه ۶۰ قرن ۱۴ خورشیدی

این مزرعه قدیمی دانست. شاید همین فرضیه (مزرعه سرده قسمتی از اراضی آبکوه است) نسبت به سرده، باعث شد که کمتر نام آن در متون واسناد قدیمی ثبت وضبط شود و آنچه درباره‌اش می‌دانیم، بیشتر حول قضیه تأمین آب مشهد دور بزند. در این قسمت از سلسله‌گزارش‌های بررسی تاریخ محلات مشهد، قصد داریم به سراغ بررسی سرگذشت این مزرعه قدیمی برویم که امروزه تقریباً به فراموشی سپرده شده است. امیدواریم که از روایت امروز ما لذت ببرید.

پروژه عمرانی احیای قنات و مزرعه سرده با نظارت «ناذر میرزا» به انجام رسید (سند شماره ۱۷۴۸۲در مجموعه اسناد آستان قدس رضوی).

بااین حال، خشک‌سالی‌های مکرر، به‌ویژه در دهه ۱۲۹۰ خورشیدی، باعث آفت خروجی قنات و به تبع آن، کاهش خروجی محصولات باغی و زراعی مزرعه شد و مسئولان امر را واداشت که در سال ۱۳۰۸ خورشیدی، دست به تقویت واحیای مزرعه و قنات سرده با هدف ارتقای وضعیت منابع آبی و زراعی شهر مشهد بزنند. در این سال، با پیشنهاد آقای «طاهری»، متولی وقت مسجد گوهرشاد، باهدف احیای قنات سرده، راه‌آب جدیدی در اراضی زرگان، در غرب این مزرعه، احداث شد و مورد بهره‌برداری قرار گرفت (سند شماره ۶۸۵۴۲ در مجموعه اسناد آستان قدس رضوی). در سال‌های بعد نیز تلاش برای برقرار ماندن جریان آب قنات سرده و آبادانی مزرعه آن، با نظارت متولی مسجد گوهرشاد ادامه یافت. در سال ۱۳۱۷ خورشیدی هزینه مطالبات مقتضایی که قنات سرده را لای روبی کرده بودند، از محل درآمد موقوفات مسجد گوهرشاد پرداخت شد (سند شماره ۱۲۸۸۰۷ مجموعه مرکز اسناد آستان قدس رضوی).

بااین حال، نزدیکی مزرعه سرده به باروهای قدیمی شهر مشهد، باعث شد که حیات آن خیلی زود و در پی توسعه‌های شهری پس‌از سال ۱۳۱۰ خورشیدی، تهدید شود. طولی نکشید که در پروژه‌های عمرانی مربوط به گسترش مشهد به سوی غرب، اراضی سعدآباد و سرده به عنوان یکی از فضاهای قابل استفاده و مهم در تأمین زمین‌های مورد نیاز در این پروژه‌ها محل توجه واقع و به این ترتیب، فضاهای منجر و باصفای آن، به‌تدریج در فضای شهری مشهد مستحیل شود؛ هرچندکه اگر کنج‌کاو و باریک‌بین باشید، می‌توانید ردونشان سرده قدیم را در حدود اراضی فعلی آن، در قالب درختان کهن سال و چندصدساله‌ای که گاه در حاشیه‌گذرها به چشم می‌خورند، مشاهده کنید.

«کنارنگ طوس» که در عهد ساسانی حاکم منطقه بود، در محدوده همین باغات اقامت می‌کرده است. با وجود فقدان اسناد تاریخی، می‌توان تصور کرد که سرده، به دلیل وجود باغات متعدد و البته قنات بُرآیش، یکی از مهم‌ترین منابع آب و محصولات باغی برای مشهد محسوب می‌شده است. در این بین، قنات سرده و کاربرد گسترده آن، بیش از خود مزرعه در متون تاریخی و اسناد موجود خودنمایی می‌کند که نشان از اهمیت آن دارد. در سال ۱۳۲۸ خورشیدی، مرحوم، حاج محمد باقر خوبی کلکته‌چی، «از بازگنان خوش‌نام و آذربایجانی، با صرف ۱۲۰ هزار تومان و استفاده از لوله فلزی، آب قنات سرده را از مظهر این قنات به حوض میانی مسجد گوهرشاد انتقال داد و مشکل کم‌آبی مسجد مذکور را مرتفع کرد. این لوله‌کشی که ۳ هزار و ۶۰۰ متر طول داشت، نخستین پروژه انتقال آب در شهر مشهد، با استفاده از لوله‌های فلزی و در چنین گستره‌ای بود و در عین حال نشان می‌داد که از محل مزرعه سرده تا مسجد گوهرشاد که در مرز نیمه شرقی شهر مشهد با نیمه غربی آن قرار گرفته بود، چه فاصله‌ای وجود داشته است. باتکیه بر همین ارزیابی، می‌توان چنین اظهار کرد که دیوارهای باروی شهر مشهد از محل مزرعه سرده دیده می‌شده است. بااین حال، تلاش برای استفاده بهینه از آب قنات این مزرعه، محدود به سده اخیر نیست و در اسناد موجود و در دسترس، می‌توان ردونشان‌های متعددی از آن یافت. مثلاً در دوران نیابت تولیت «میرزا سعیدخان مؤتمن الملک انصاری» که در حدود سال ۱۲۹۰قمری (۱۲۵۲ خورشیدی) این مسئولیت را عهده‌دار بود، پروژه احیای قنات مزرعه سرده با نظارت شخصی به نام «ملاباقر» و توسط «اقامحمد حسین»، مفتی‌باشی آستان قدس، انجام گرفت و هزینه آن نیز از محل درآمد موقوفات مسجد گوهرشاد پرداخت شد (سند شماره ۲۰۲۸۷۵ در مجموعه اسناد آستان قدس رضوی)، یا در سال ۱۳۲۴قمری (۱۲۸۵ خورشیدی) و مصادف با سال پیروزی نهضت مشروطیت و دوران تولیت «حاجی میرزا محمد کاظم طباطبایی تبریزی»،

گذری بر تاریخ مدرسه «صالحیه» (علمیه نواب) به مناسبت حادثه ۳۱ تیر ۱۳۵۷

تکرار جنایت فیضیه در مدرسه تاریخی مشهد



فرخدا| مدرسه علمیه صالحیه را مشهدی‌ها به‌عنوان مدرسه علمیه نواب می‌شناختند؛ مدرسه‌ای در جوار حرم مطهر رضوی که برابر مکتوبات تاریخی، سال ۱۰۸۶قمری و در دوره سلطنت شاه سلیمان صفوی بنا شده است. این مدرسه که ابوصالح، فرزند محمد حسن بن میرزا رضوی، ملقب به نواب (یکی از نقیبان سادات مشهد)، بانی ساخت آن بوده، در طول تاریخ حوادث بسیاری را از سر گذرانده است. یکی از این حوادث در آخرین روز تیرماه سال ۱۳۵۷ خورشیدی و در بحبوحه انقلاب رقم می‌خورد؛ حادثه‌ای تلخ که تکراری می‌شود برای جنایت مدرسه فیضیه قم.

- ۳۱ تیر ۱۳۵۷ در مدرسه «نواب» چه گذشت؟

اسناد می‌گویند پس از شهادت شیخ احمدکافی، رژیم شاه که از اقدامات و اعتراضات طلاب در تشییع جنازه کافی بسیار ناراحت بوده است، به فکر انتقام و به اصطلاح زهرچشم‌گرفتن می‌افتد، لذا در عصر ۳ تیرماه، مأموران و کماندوهایش را به طرف مدرسه نواب حرکت می‌دهد. این گروه هم پس از ورود به مدرسه و حمله به حجره‌های طلاب، ااثاثیه و اموال آنان را غارت می‌کنند و تعدادی از محصلان را به شکل وحشیانه‌ای از پشت بام به حیاط مدرسه می‌اندازند. این، همه ماجرا نیست و نیروهای حکومتی در ادامه، ضمن مجروح کردن طلاب، کتابخانه مدرسه نواب را هم به آتش می‌کشند و خسارت‌های زیادی به آن وارد می‌کنند. دامنه این خسارت‌ها آن قدر گسترده بوده است که مدرسه نواب برای مدتی تعطیل می‌شود. دکتر یوسف متولی حقیقی در کتاب «تاریخ معاصر مشهد (جلد ۲)»، در این باره می‌نویسد: «به دنبال برپایی تظاهرات گسترده مردم مشهد در اطراف حرم و مدرسه نواب، نیروهای رژیم در بعدازظهر به مدرسه نواب حمله و بعد از ضرب و شتم طلاب این مدرسه کتابخانه آن را به آتش کشیده و با واردکردن خسارت‌های زیاد این مدرسه را به تعطیلی کشاندند.» مردم پس از شنیدن خبر جنایت نیروهای رژیم در مدرسه نواب خشمگین به خیابان‌ها می‌آیند و دست به راهپیمایی می‌زنند.

- کوتاه درباره مدرسه «صالحیه»

برابر روایت مکتوبات تاریخی میرزا صالح نقیب‌رضوی که در زمان ساخت مدرسه صالحیه، متولی آستان قدس رضوی نیز بوده است، حدود هجده سال به عنوان متولی و متصدی مدرسه نواب فعالیت می‌کند. او قبل از مرگش تولیت مدرسه علمیه نواب را با شروط خاصی به فرزندانش می‌سپارد و برای اینکه عموم مردم از وقف‌نامه این مدرسه با خبر باشند، این مطالب را بر روی سنگی حکاکی و درون مسجد مدرسه نصب می‌کند. البته بعضی از شواهد نشان می‌دهد که در سده‌های تاریخی گذشته افرادی سودجو بعضی از بندهای این وقف‌نامه را از بین می‌برند. همین موضوع سبب می‌شود مدرسه نواب مشهد برای مدتی بدون متولی به فعالیت خود ادامه دهد و امروزه اطلاع دقیقی از افرادی که پس از میرزا صالح رضوی مسئول مدرسه علمیه بودند، نداریم؛ اما برابر آنچه اعتمادالتولیه سال ۱۳۰۳قمری در کتاب «اوقاف مشهد» آورده، مشخص است فردی به نام «میرزا حاجی‌آقا» تولیت این مدرسه را بر عهده داشته و پس از آن هم «حاج شیخ ابومحمد عاملی» این وظیفه را برعهده گرفته است؛ همچنین اسناد نشان می‌دهند که پس از شیخ ابومحمد، شیخ محمدعلی عاملی به‌عنوان متولی مدرسه نواب مشهد این سکان را به دست گرفته است.

در زمان حکومت پهلوی اول –که به دلیل سیاست‌های رضاخان بسیاری از مدارس علمیه به تعطیلی کشیده شدند– مدیریت مدرسه صالحیه نیز با تغییراتی روبه‌رو و به وزارت فرهنگ و اوقاف واگذار می‌شود تا بابلوی دبیرستان معقول و منقول بر بالای آن بنشینند. این تغییرات اما کوتاه‌مدت است و با پایان تاج‌داری پهلوی اول، صالحیه که این بار به نواب تغییر نام داده است، بار دیگر در اختیار حوزه علمیه قرار می‌گیرد و متولی پیشین آن، میرزا علی اکبر نوغانی نیز آن را تعمیر و بهسازی می‌کند.

- معماری مدرسه علمیه «نواب»



این مدرسه دارای دو ایوان در شمال و جنوب بنا و حجره‌های بسیاری است که در دو طبقه سقف و ستون خورده‌اند. در گزارش‌های قدیمی‌تر درباره این بنا آمده است که در چهار طرف مدرسه ۷۵ اتاق تحتانی و فوقانی بنا شده و جلوی هر اتاق ایوانی قرار گرفته که پیشانی آن ایوان با کاشی‌الوان تزیین یافته است.

نکته: برای رفتن به مدرسه نواب صفوی مشهد باید به خیابان آیت‌ا... شیرازی (بالا خیابان) بروید. این مدرسه با توجه به تغییرات بافت پیرامون حرم مطهر اکنون در ضلع شمالی حرم مطهر قرار گرفته و از همین‌رو فاصله کمی با حرم مطهر امام‌رضا(ع) دارد.